

وحدت جهان اسلام

آینده‌های همگرایی جهان اسلام

(قسمت چهارم)

سرلشکر پاسدار دکتر سیدیحیی صفوی

دانشیار جغرافیای سیاسی دانشگاه امام حسین علیه السلام

چکیده

با تکیه بر شناسایی ظرفیت‌ها و توانمندی‌هایی که مقوم همگرایی در جهان اسلام هستند و در مقابل عوامل واگرایانه‌ای که در جهت تهدید پیوستگی جهان اسلام حرکت می‌کنند و با توجه به لزوم پرداختن به آینده و تلاش برای ساختن آن در جهت تأمین منابع جهان اسلام، در این مقاله به بررسی مفهوم آینده‌اندیشی و ورود آن به عرصه‌ی مباحث علمی پرداخته و سپس به آینده‌های محتمل برای جهان اسلام می‌پردازد. آینده‌پژوهی در حقیقت تصمیم‌گیری مربوط به آینده در زمان حال است. دانش و بینشی که آینده‌پژوهی در اختیار محقق می‌گذارد، وی را در کسب موقعیت برتر در عرصه‌ی رقابتی یاری رسانده و در نتیجه فهم و درک نیروها و عوامل مؤثر در زمینه‌ی فعالیت‌های شخصی و سازمانی، او را نسبت به تغییرات احتمالی آینده هوشیارتر می‌کند. در واقع، با استفاده از تصور حوادث ممکن و ارزیابی احتمالات می‌توان خود و دیگران را برای آینده مجهز کرد. فرصت‌ها و چالش‌ها را شناسایی کرده و در برابر آن‌ها برای به دست آوردن آن‌ها برنامه‌ریزی نمود. **واژه‌های کلیدی:** آینده‌اندیشی، کشف و پردازش چشم‌انداز آینده، چشم‌انداز آینده‌های جهان اسلام.

مقدمه

با کمک روش‌های آینده‌اندیشی می‌توان اقدام به ایجاد یک دیدگاه مشترک در جهان اسلام کرد و براساس آن به یک وفاق عمومی رسید. اهمیت چنین همکاری یا وفاقی در سطح همه‌ی کشورها و همسوس شدن همه نهاد‌های تأثیرگذار در جهت رسیدن به یک هدف مشترک بر همگان روشن است. آینده‌اندیشی زمانی مؤثر خود بود که گستره‌ی وسیعی از روندها و حوادث ممکن شناسایی شده و سناریوهای متعدد و مختلفی را با جمع‌آوری اطلاعات از محیط‌های مختلف فعالیت کشورها در اموراتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، فناورانه و زیست محیطی در یک فرآیند برنامه‌ریزی انعطاف‌پذیر تصور کرد.

آینده‌اندیشی به مثابه‌ی علم

آینده‌اندیشی به دیرینگی خود آگاهی تاریخی بشر است. از آن زمان که

آدمی به هستی تاریخ‌مند و سپس، تاریخ‌مندی هستی خویش اندک آگاهی یافت، پیش‌بینی و نیز پیشگویی رویدادهای گوناگون آینده، به ویژه رویدادهای طبیعی و سیاسی-اجتماعی از اهمیتی سرنوشت‌ساز برخوردار شد. جادوگران و طالع‌بینان، در کنار تجربه‌آموزان اندیشه‌گر قوم، هر یک به گونه‌ای، از سیر حوادث و آینده‌ی پدیده‌های طبیعی و اجتماعی گفتند و پیش‌بینی روشمند فراطبیعی نگرانه، تبلور خویش را در تبیین اسطوره‌ای جهان و ادوار گوناگون سیر حوادث و نقش بازی شخصیت‌های فراتاریخی یافت و جهان‌نگری نظام‌مند هر قوم پدید آمد.^(۱) می‌توان گفت مطالعات آینده تقریباً با پایان جنگ دوم جهانی آغاز شد. نخستین کاوش‌های نظام‌مند در ساخت آینده را مؤسسه‌ی مطالعاتی رند در سال ۱۹۴۶ برای پنتاگون انجام داد. از همین جا پیداست که چه رابطه‌ی نزدیکی میان آینده‌پژوهی و مطالعات راهبردی وجود دارد.

در اواخر دهه‌ی ۱۹۶۰ بود که آینده‌پژوهی شکل رسمی تری به خود گرفت و به عنوان یک حوزه‌ی جدید مطالعاتی پذیرفته شد. امروز هم دو سوم فعالیت‌های آینده‌پژوهی توسط اندیشگاه‌های نظامی و شرکت‌های چندملیتی انجام می‌شود. پژوهش‌های علمی نیز همین وضع را دارد.^(۲)

آینده‌پژوهی بیش‌تر در کشورهای صنعتی انجام می‌شود. این کشورها، ۹۷ درصد بودجه‌ها و هزینه‌های آینده‌پژوهی را تأمین می‌کنند. اما جهان سوم که ۸۰ درصد جمعیت جهان را در خود جای داده، تنها ۳ درصد فعالیت‌های آینده‌پژوهی را انجام می‌دهد.^(۳)

مطالعات آینده‌اندیشی، هرچند از علوم اجتماعی استفاده می‌کند، یک علم به حساب نمی‌آید. آینده‌پژوهی، ناظر بر مطالعه‌ی «تحولات گوناگون یک وضعیت معین» از منظری گسترده بر پایه‌ی گزینه‌ها، انتخاب‌ها و سنجش پیامدهای یک تصمیم مشخص با فرض این تحولات است.

به همین دلیل است که همیشه از «آینده‌ها» صحبت می‌شود، نه از یک آینده. هدف اصلی آینده‌پژوهی، تعیین اهداف مطلوب و روش دستیابی به آن‌ها، در میان مدت یا بلندمدت، با توجه به شرایط جاری است.

از وقتی انسان وجود داشته است، سعی بر این داشته که به نحوی آینده را پیش‌بینی کند و همواره با حرکت پیشاپیش جهان، هم از خطرات احتمالی در

آینده پیش‌گیری کند و هم از فرصت‌هایی که برایش پیش خواهد آمد حداکثر استفاده را ببرد. وجود اوراکل‌ها^(۴) در یونان باستان، که مردم در آن جا از خدایان خود در مورد آینده سؤال می‌کردند، شاهدی بر این ادعاست. در جهان کنونی که تغییر و تحولات سرعت زیادی به خود گرفته، امکان داشتن حداقل یک دیدگاه تقریبی از آن چه ممکن است پیش بیاید یا پیدا کردن حالات ممکن آینده (سناریوهای ممکن)، نه تنها امری مطلوب و مورد علاقه همگان است، بلکه یک ابزار لازم برای بقاء در آینده (به مفهوم قابل قبول آن یعنی پیدا کردن جایگاه مناسب در آینده، حفظ ارزش‌ها و آرمان‌های خود) و دفع خطرات و تهدیدها و استفاده از فرصت‌های پیش رو، به نظر می‌رسد^(۵). علی‌رغم وجود دیدگاه‌ها و تبیین‌های گوناگون در خصوص آینده‌اندیشی و آینده‌شناسی، علاقه‌ی آدمی به آینده، متن مشترک همه‌ی آینده‌شناسی‌ها را تشکیل داده است. آدمی همواره به دنبال یافتن روش‌های نظام‌مند و قانون‌مند برای پیش‌بینی تحولات آینده، به ویژه در ارتباط با پدیده‌های جوی و دیگر پدیده‌های طبیعی و هم چنین پدیده‌های سیاسی و اجتماعی بوده که این خود بر پیش فرض وجود نظم و یژه در سیر رویدادها استوار بوده است. با توجه به توضیحاتی که تاکنون داده شد، می‌توان سه هدف برای آینده‌پژوهی نام برد:

۱- تصور حوادث ممکن؛

۲- ارزیابی احتمالات و یافتن حوادث محتمل؛

۳- تصمیم‌گیری در جهت امور ترجیح داده شده.

در اغلب روش‌های آینده‌اندیشی بر یک یا دو هدف از اهداف فوق تمرکز می‌شود نه بر همه‌ی آن‌ها. به همین خاطر ما همواره برای رسیدن به یک آینده‌پژوهی ایده‌آل با نتایج بهتر، نیاز به استفاده از چندین روش مختلف داریم. برای مثال، تحلیل روندهای کنونی، اطلاعات سودمندی درباره‌ی حوادث ممکن و محتمل می‌دهد. یعنی با مطالعه‌ی روندها می‌توانیم ادامه یافتن یا نیافتن آن را بررسی کنیم ولی این کار به ما درباره‌ی این که چه آینده‌ای را ترجیح می‌دهیم و راه رسیدن به آن چیست، هیچ اطلاعاتی نمی‌دهد. در نتیجه، استفاده از تکنیک‌های مختلف ضروری است^(۶).

کشف و پردازش چشم‌انداز آینده

دستیابی به نقاط کانونی^(۷) مطلوب در همگرایی میان کشورهای اسلامی ضرورت ترسیم چشم‌انداز مطلوب برای چنین همگرایی را اجتناب‌ناپذیر می‌سازد. چشم‌انداز، آینده‌ای واقعی، معتبر و جذاب برای کشورهاست. چشم‌انداز آینده بیان فرمول‌بندی شده‌ی دقیقی از مقاصد و اهداف است که مقصد یا وضعیت آینده‌ی خواست‌هایی را تعریف می‌کند که یک فرد یا گروه آن‌ها را به نحو خاصی مطلوب می‌یابد. چشم‌انداز آینده‌ی صحیح، ایده‌ای آن چنان قدرتمند است که با فراخوانی انرژی‌ها، استعدادها و منابع، زمینه را برای تحقق ایده‌ها و آرمان‌ها فراهم می‌کند. با وجود چشم‌انداز آینده، راهبردها می‌توانند سنجیده و فعال شوند و اتحاد این امکان را پیدا می‌کند که فرصت‌های خود را بیافرینند و زمینه‌ها و امکان‌های واقعی برای

نوآوری و تغییر را باز بگذارد. معیارهای اصلی جهت شناخت چشم‌انداز آینده‌ی صحیح عبارتند از:^(۸)

□ چشم‌انداز آینده تا چه حد آینده محور است؛ یعنی بر فرضیه‌های منطقی پیرامون آینده استوار است تا این که فقط طرحی درباره‌ی وضع موجود است؟

□ چشم‌انداز آینده تا چه حد آرمانی است؛ یعنی تا چه حد به نظر می‌رسد که همگرایی را به آینده‌ی روشن‌تری هدایت می‌کند؟

□ چشم‌انداز آینده تا چه حد با تاریخ، فرهنگ و ارزش‌های سازمان هم‌خوانی دارد؟

□ چشم‌انداز آینده تا چه حد استانداردهای تعالی را به کار می‌گیرد و ایده‌آل‌های بلند را منعکس می‌کند؟

□ چشم‌انداز آینده تا چه حد مقصد و جهت را روشن می‌کند؟

□ چشم‌انداز آینده تا چه حد به نظر می‌رسد که الهام بخش اشتیاق و مشوق مشارکت است؟

□ آیا چشم‌انداز آینده به اندازه‌ی کافی بلندپروازانه است؟

زمانی که تک‌تک اعضاء خود را در چشم‌انداز آینده سهیم و نقش‌آفرین بدانند، به اقتدار و اختیاری دست می‌یابند و برای اقداماتی که چشم‌انداز آینده را به پیش می‌برد، توانمند می‌شوند. آن‌ها می‌دانند که چنین اقدام‌هایی بسیار ارزشمند است و از سوی همه‌ی کسانی که در این تصور سهیم هستند، قانونی و مفید به حساب می‌آید.

برای کشف و پردازش یک چشم‌انداز آینده‌ی نوین راه‌های بسیاری وجود دارد، فرایند ایجاد چشم‌انداز آینده شامل چهار مرحله‌ی زیر است:^(۹)

۱- ممیزی چشم‌انداز آینده: در این مرحله، پرسش‌هایی درباره‌ی ماهیت اساسی همگرایی، روش تحقق و جهت کنونی آن مطرح می‌شود.

۲- دامنه‌ی چشم‌انداز آینده: در این مرحله، ذی‌نفعان عمده‌ی همگرایی مطالعه و بررسی می‌شوند، به همین ترتیب سنجش مطلوب عملکرد و نیز رهنمودهای لازم برای بیانیه‌های چشم‌انداز آینده‌ی پیشنهادی بررسی می‌شود.

۳- محتوای چشم‌انداز آینده: این مرحله فرصتی است برای در نظر گرفتن امکان توسعه در آینده - مانند توسعه‌ی اقتصادی، فناورانه، اجتماعی و جز این‌ها - که می‌تواند برانتخاب جهت مطلوب همگرایی تأثیر گذارد.

۴- انتخاب چشم‌انداز آینده: این آخرین مرحله است که طی آن، چشم‌انداز آینده‌های هم نهشت در نظر گرفته می‌شود، با هم مقایسه می‌شوند و سرانجام به انتخاب و فرمول‌بندی بیانیه‌ی چشم‌انداز آینده‌ی جدید می‌انجامد.

یکی از مؤثرترین و کارآمدترین تکنیک‌های آینده‌پژوهی، که برای تحقق چشم‌اندازها استفاده می‌شود، سناریوسازی است. در سناریوسازی، آینده ذاتاً غیرقابل شناخت است. اما به کمک سناریو می‌توان در شکل بخشیدن به چشم‌انداز ترسیم شده نقش‌آفرین بود. می‌توان رخداد‌های آینده را به صورت غیرمحتمل و محتمل و هم چنین مطلوب و نامطلوب

تقسیم‌بندی کرده و سپس اقداماتی انجام دهیم تا احتمال رخدادهای مطلوب افزایش یابد. یا برعکس، از ظهور رخداد‌های محتمل اما نامطلوب جلوگیری کنیم.^(۱۰) با نگاهی ساده به موقعیت‌هایی که یک دولت یا مجموعه‌ای از دولت‌های همگرا شاید در آینده با آنها روبه‌رو شوند، می‌توان پنج نوع سناریوی متمایز را شناسایی کرد. در نوع اول فرض می‌شود که روندهای جاری بدون تغییرات مهم به «مسیر عادی» خود ادامه خواهند داد و آن را «سناریوی بدون شگفتی» می‌نامند. در نوع دوم فرض می‌شود که آینده «بهتر» از گذشته خواهد بود و آن را «سناریوی خوش بینانه» می‌نامند. در نقطه‌ی مقابل این سناریو، «سناریوی بدبینانه» قرار دارد که برای موضوع مورد نظر، آینده‌ی «بدتری» را نسبت به حال و گذشته لحاظ می‌کند. دو نوع دیگر از سناریوها عبارتند از: «سناریوی فاجعه» که در آن حوادث و «بحران‌های غیرمنتظره» رخ خواهند داد و هم چنین «سناریوی معجزه» که در آن رویدادهای «بسیار خوب باورنکردنی» در آینده به وقوع می‌پیوندند.^(۱۱)

فرآیند برنامه‌ریزی بر پایه‌ی سناریو

برای فعالیت در دنیای سرشار از عدم قطعیت، رهبران و دولتمردان باید مفروضات خود را درباره‌ی مسیر حرکت جهان با پرسش‌های فراوان «اگر این‌طور شود چه؟» به چالش بکشند تا بتوانند جهان آینده را واضح‌تر ببینند.^(۱۲) هدف برنامه‌ریزی بر پایه‌ی سناریو کمک به رهبران و مدیران برای تغییر نگرش آن‌ها نسبت به «واقعیت‌های پنداری» و نزدیک کردن هر چه بیش‌تر دیدگاه آن‌ها به «واقعیت‌های موجود» یا «واقعیت‌های در حال ظهور» است. نتیجه‌ی نهایی برنامه‌ریزی بر پایه‌ی سناریو ترسیم یک نقشه‌ی درست و دقیق از آینده نیست، بلکه هدف آن اصلاح و بهبود نظام‌مند تصمیم‌های مربوط به آینده است.^(۱۳)

اهمیت مطالعه‌ی آینده در اسلام

در ادبیات اسلامی، میان دو واژه‌ی «غیب» که در قلمرو خداوند متعال است و «مستقبل» (آینده) تفاوت بسیار است.^(۱۴) مستقبل به پیش‌بینی نتایج اعمال بشر اشاره دارد که در آیات مختلف قرآن کریم به کار گرفته شده است:

«پس چون آن عذاب را به شکل ابری دیدند که بر رودخانه‌هایشان روی آورد، (به شادی) گفتند این ابری است که بر ما باران (رحمت) می‌بارد، (هود گفت چنین نیست) بلکه اثر عذابی است که به تعجیل درخواستید. این باد سختی است که در آن شما را عذاب دردناک است.»

در قرآن کریم، کراراً به پیش، دورنما و آینده اشاره شده است:

«آلای اهل ایمان، خداترس شوید و هر نفسی بنگرد تا چه عملی برای فردای خود پیش می‌فرستد.» (سوره‌ی حشر، آیه‌ی ۱۸) «آیا فکر و نظر در ملکوت و قوای آسمان‌ها و زمین نمی‌کنند و در هرچه خدا آفریده نمی‌نگرند و چون اجل و مرگ آن‌ها بسا باشد که به آنان بسیار نزدیک شود، آنگاه به چه حدی بعد از این (کتاب آسمانی) ایمان خواهند آورد.»

(سوره‌ی اعراف، آیه‌ی ۱۸۵)

«آیا کافران ندیدند که ما شب را تاریک برای سکون و آرامش خلق قرار دادیم و روز را روشن (برای کسب و کار) همانا در وضع شب و روز آیات و نشانه‌های قدرت الهی برای اهل ایمان پدیدار است. و (باز به امت یادآور شو) روزی صور (اسرافیل) دمیده شود، آن روز هر که در آسمان‌ها و زمین است، جز آن را که خدا خواسته همه ترسان و هراسان باشند و همه منقاد و ذلیل به محشر درآیند و در آن روز کوه‌ها را بنگری و جامد و ساکن تصور کنی، در صورتی که مانند ابر در حرکتند. صنع خداست که هر چیزی را در کمال اتقان و استحکام ساخته است که علم کامل او به افعال شما همه‌ی خلائق محیط است.» (سوره‌ی نمل، آیه‌ی ۸۸-۸۶)

قرآن در همه‌ی این آیات از بشر می‌خواهد که از زمان حال به نحو احسن استفاده کند و با کمال دقت و هوشمندی برای آینده مهیا شود. منظور از آینده، باقی‌مانده‌ی عمر بشر در این کره‌ی خاکی و زندگی بازپسین اوست. چند مثال دیگر به درک این مفهوم کمک می‌کند:^(۱۵)

«هر نفسی بنگرد تا چه عملی برای فردای خود پیش می‌فرستد.»

«و هیچ کس نمی‌داند که فردا چه خواهد کرد و هیچ کس نمی‌داند که به کدام سرزمین مرگش فرا می‌رسد. این منکران به زودی فردای قیامت کاملاً معلومشان شود که دروغگوی بی‌باک کیست.»

آیه‌ی اول، بشر را با هدف تقویت ایمانش به پروردگار یکتا، به کشف آینده فرا می‌خواند. اما آیه‌ی دوم بر هر گونه پیش‌گویی و غیب‌گویی خط بطلان می‌کشد. با تفسیر این آیات، مشخص می‌شود که قرآن کریم با غیب‌گویی و پیش‌گویی به مبارزه برمی‌خیزد، و همه را فرا می‌خواند تا برای بهبود توانمندی‌های خود به منظور رویارویی با الزامات آینده و سعادت و بهروزی خود «پیش‌بینی» نمایند و گزینه‌های مختلفی را بیافرینند. بنابراین، باید نسبت به آینده، رویکردی کثرت‌گرا داشت (آینده‌های گوناگونی را دید نه یک آینده‌ی قطعی را) و طیف وسیعی از گزینه‌ها را فراروی خود دید.

اسلام چشم‌اندازی از حیات زمینی و اخروی است. پیام اسلام به بشریت این است که سرنوشت خود را بجوید و برای این منظور در کارهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خود رویکردی پویا اختیار کند. مسلم است که تغییر و تحول از ضروریات شکل بخشیدن به یک آینده‌ی برومند است. خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید:

«و خدا با آن همه مهربانی به خلق حال هیچ قومی را دگرگون نخواهد کرد، مگر زمانی که خود آن قوم حالشان را تغییر دهند.»^(۱۶)

البته نباید «بدعت» را با ابداع (نوآوری) یکی دانست. بدعت باور یا نگرشی است که تجدیدنظر در اصول بنیادین اسلام را روا می‌داند و این نكوهیده است. اما ابداع، فراخوانی است به سوی ایجاد تغییر و نوآوری، با هدف ترغیب شکوفایی و برومندسازی جامعه. هر ارگانیمسی که تغییر را نپذیرد، محکوم به فناست. این شامل انسان هم می‌شود. تلاش برای پیشگیری از ایده‌های نو و سرکوب کردن اقدامات نوآورانه، در سده‌های دهم و یازدهم هجری آغاز شد. آن دوران معروف است به دورانی که طلاب «باب‌های اجتهاد را بستند.»^(۱۷)

قرآن کریم در این ارتباط فرموده:

«ما آیات (قدرت و حکمت) خود در آفاق و انفس را کاملاً روشن می‌گردانیم تا ظاهر و آشکار شود که برحق است. ای رسول خدا، آیا خدای تو که بر همه‌ی موجودات عالم پیدا و گواه است، کفایت (از برهان) نمی‌کند.» (۱۸)

پیامبر گرامی ما، صلوات الله علیه و آله، همیشه نگاهشان معطوف به آینده بود و به ندرت در گذشته نظر می‌کردند. حتی در تاریخ آمده که ایشان در حین حرکت نیز همواره به پیش می‌نگریستند و هیچ‌گاه سر را به عقب نمی‌گرداندند؛ اسلام یک چشم‌انداز اکتشافی از زندگی دنیوی و اخروی است. این چشم‌اندازهای بشری است که کردار وی را مشخص می‌کند. کرداری که به خاطر آن باید در برابر خود، جامعه و حق تعالی پاسخگو باشد. مؤمن در هر کاری که انجام می‌دهد، به پیامدهای آن در زندگی باقی مانده‌اش و زمانی که در قیامت، نزد پروردگارش حضور خواهد یافت می‌اندیشد.

به اعتقاد مهدی المانجراشکی نیست که اسلام، پیشروان قدرتمند تحول و نوآوری است و نقشی حیاتی در تکامل جامعه ایفا خواهد کرد. (۱۹) با این مقدمه اگر به واقعیات و ویژگی‌های جهان امروز باز گردیم، به لزوم توجه به آینده‌اندیشی در حوزه‌ی مطالعات جهان اسلام جهت انتخاب بهترین گزینه‌ها برای دستیابی به جایگاه مناسب در نظام آتی جهانی پی می‌بریم. دنیای امروز ما ویژگی‌های بارزی دارد که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از: (۲۰)

۱- شتاب تاریخ: انباشته‌ی دانش بشر هر ۷ یا ۸ سال دو برابر می‌شود. هر دو دقیقه، یک مقاله‌ی علمی در گوشه‌ای از جهان به چاپ می‌رسد.

۲- افزایش پیچیدگی: به دلیل شتابناک شدن گام‌های تاریخ، پیچیدگی نیز هر روز افزایش می‌یابد.

۳- انقباض زمان و فضا: سرعت گرفتن رویدادها و کوچک شدن دنیا.
۴- حرکت از جامعه‌ی تولیدبنیان به سوی جامعه‌ی دانش بنیان: جامعه‌ی دانش بنیان، جامعه‌ای که در آن سرمایه ارزشمند نیست مگر آن که به تولید ارزش افزوده‌ی برون داده‌های فکری و معنوی و نوآوری بینجامد.

۵- افزایش نقش فرهنگ: در نخستین نشست شمال- جنوب که در ماه می سال ۱۹۷۸ به همت انجمن توسعه‌ی بین‌المللی در رم برگزار شد، مشخص شد که تعیین‌کننده‌ترین مؤلفه در روابط شمال و جنوب، مؤلفه‌ی فرهنگ است که با ارزش‌ها سر و کار دارد و نگرش مردم و جوامع را تعیین می‌کند. باید «نظام‌های ارزشی» را به عنوان نخستین ملاحظه در نظر گرفت تا نشان داد که تنش‌های کنونی میان شمال و جنوب را نمی‌توان با شیخوخیت و پادرمیانی حل کرد. بحران شمال و جنوب، کلیت نظام جهانی را متأثر می‌سازد. بنابراین، باید در اهداف، کارکردها و ساختار نظام جهانی، تجدیدنظر اساسی صورت گیرد. این امر نیازمند باز توزیع قدرت و منابع بر پایه‌ی ارزش‌ها و معیارهایی است که با آن چه این وضع را به وجود آورده، کلاً متفاوت است.

۶- جوان بودن و افزایش جمعیت جنوب: جمعیت کشورهای جنوب جوان است و به سرعت در حال رشد، در حالی که جمعیت شمال ثابت است و هر

روز پیرتر می‌شود (۵۰ درصد مسلمانان جهان کم‌تر از ۱۶ سال و ۶۰ درصد آن‌ها کم‌تر از ۳۰ سال دارند).

۷- توسعه‌ی شتابانه‌ی فناوری پیشرفته در شمال شامل رایانه، رباتیک، هوش مصنوعی، هوافضا، نانو فناوری و زیست فناوری است. کشورهای توسعه یافته ۸ تا ۱۲ درصد گردش مالی خود را به تحقیق و توسعه اختصاص می‌دهند و تقریباً همین مقدار را نیز در آموزش کارکنان هزینه می‌کنند. از این فناوری‌ها در کشورهای جنوب خبری نیست. فناوری کالایی نیست که چون دیگر کالاها قابل خرید و فروش باشد. دستیابی به فناوری یک فرآیند طولانی مدت است که بر دانش و خلاقیت مبتنی است.

۸- شکاف دیجیتالی فناوری اطلاعات و ارتباطات ۴۰ درصد برون داد صنعتی دنیا و ۶۰ درصد نیروی کار در کشورهای پیشرفته را به خود اختصاص داده است. اما کشورهای جنوب، حداکثر می‌توانند مصرف کننده‌ی فرآورده‌های مبتنی بر این فناوری باشند. شکاف دیجیتالی میان ملت‌های شمال و جنوب به طور عجیبی در حال گسترش است. ملت‌های شمال کنترل بیش از ۸۵ درصد فعالیت‌های مربوط به فناوری اطلاعات و ارتباطات را در دست دارند. در حالی که ما مسلمانان به سختی پیامدهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی (و دفاعی) این فناوری را درک می‌کنیم.

۹- ضرورت تبدیل شدن دنیای اسلام به یک قطب بزرگ اقتصادی: اگر بپذیریم که هیچ جامعه‌ی اقتصادی نمی‌تواند با کم‌تر از ۱۵۰ میلیون نفر جمعیت با موفقیت به قرن بیست و یکم پابگذارد (اتحادیه‌ی اروپا، ۳۵۰ میلیون نفر، آمریکای شمالی: ۳۵۰ میلیون نفر، آسیای جنوب شرقی: ۳۵۰ میلیون نفر)، از این رو، جهان اسلام نیز باید درصدد تبدیل شدن به یک قطب اقتصادی بزرگ و یکپارچه باشد.

۱۰- تبدیل شدن فرهنگ به مهم‌ترین عنصر راهبردی در روابط بین‌ملت‌ها: در آینده، مسائل سیاسی و اقتصادی موجب پایداری اختلاف و تنش میان ملت‌ها خواهد بود.

۱۱- نفی این عقیده که مدرنیته برابر غربی شدن است: ژاپن بهترین گواه این ادعاست. نیرا (یکی از بزرگ‌ترین مراکز مطالعاتی ژاپن) در سال ۱۹۸۹ گزارشی با عنوان «دستور کار برای ژاپن در دهه‌ی ۱۹۹۰» انتشار داد که در بخشی از آن آمده است:

باید دنیا را از منظر دیگری ببینیم تا نگاه کلیشه‌ای به نظام جهانی بر پایه‌ی تفکر آمریکایی را کنار بگذاریم. نظام جدید جهانی را می‌توان «عنصرگونگونی تمدن‌ها» نامید. ما شاهد پیدایش عصری با چند تمدن هستیم که در کنار یکدیگر زندگی می‌کنند.

۱۲- گرایش به غیرمادی کردن مادیات، به جای مادی کردن غیرمادی‌ها: هر روز حجم مواد خامی که به محصولات صنعتی تبدیل می‌شود، کاهش می‌یابد. برعکس، درون داده‌های «ماده‌ی خاکستری» هر روز بیش از پیش ارزش افزوده تولید می‌کند. یکی از مثال‌های بارز «غیرمادی کردن مادیات» افزایش کاربرد فیبرهای نوری است که به کاهش استفاده از مس در تجهیزات مینیاتوری، ریز پردازنده‌ها و چیپ‌های الکترونیکی و...

می انجامد. می توانیم بگوئیم اقتصاد هر روز غیر مادی تر می شود.

به علاوه، شاخه‌های «جدید» علم مانند فیزیک ذرات، بیولوژیک مولکولی و فیزیولوژی اعصاب تا آن جا پیشرفت کرده که قوانین نیوتن را به چالش کشانده است. قوانین نیوتن، قوانین فیزیک مکانیک است و نمی تواند همه‌ی پدیده‌های عالم هستی را توجیه کند.

با این وجود، آمار نشان می دهد جوامع اسلامی در توسعه‌ی منابع انسانی، که ارزشمندترین دارایی هر جامعه‌ای محسوب می شود و در آینده ارزش آن باز هم بیش تر و بیش تر خواهد شد، موفق نبوده اند.

چشم انداز آینده‌های جهان اسلام

با توجه به این که وحدت اساساً فرایندی بین رشته‌ای با ماهیت تعاملی است که ضرورت توجه به لایه‌های اقتصادی، فنی، اجتماعی، سیاسی، امنیتی، ژئوپلیتیک و فرهنگی و نیز نقش آفرینان دولتی و غیردولتی مختلف را ایجاب می کند، یکی از ویژگی‌های بارز وحدت و همگرایی کشورهای اسلامی در هم تنیدگی و نامریی بودن مرزهای موضوعی است. به عبارت دیگر، ممکن است بخشی از ابعاد و وجوه وحدت جنبه‌ی سیاسی داشته باشد، اما در عین حال در آمیخته با بخش‌های فرهنگی و اقتصادی نیز باشد.

کشورهای اسلامی نیز مانند اعضای اتحادیه‌ی اروپا دارای شباهت‌هایی هستند که زمینه‌های همکاری‌های گسترده‌ی آن‌ها را در چارچوب همگرایی فراهم می کند. کشورهای اسلامی به لحاظ اقتصادی توسعه نیافته، به لحاظ مذهبی مسلمان و از لحاظ فرهنگی نزدیک به هم هستند. بنابراین، همه‌ی این کشورها نیاز به گسترش همکاری با یکدیگر را به خاطر مسائل پیچیده‌ی جهانی به خوبی درک می کنند. در این مورد همگرایی اسلامی به نیاز زمانه پاسخ می دهد، زیرا همگرایی در قالب سازمان‌های منطقه‌ای توجه عمده‌اش پیرامون مسائل اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی است.^(۲۱)

منابع و مآخذ

۱- برت، نی نوس (۱۳۸۵)؛ راهنمای تمرین خلاق و پردازش چشم انداز سازمان، ترجمه و ویرایش: محمد ازگلی، مؤسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی، مرکز آینده پژوهی علوم و فناوری دفاعی، گروه پژوهشی دانش و فناوری آینده پژوهی تهران

۲- حسینی مقدم، محمد و محمد خاجوی (۱۳۸۵)؛ آینده نگاری فناوری براساس پارادایم آشوب شناسی، همایش آینده پژوهی، دانشگاه صنعتی امیرکبیر، تهران.

۳- قربانی، سعید (۱۳۸۵)؛ آینده اندیشی از منظر اسلام، همایش آینده پژوهی، فناوری و چشم انداز توسعه، دانشگاه صنعتی امیرکبیر، تهران.

4- Edward Cornish (2004): Futuring The Exploration of Future, Maryland, World Future Society.

5- Elmandjra, Mahdi (1990): Future Studies Needs, Facts and Prospects, Symposium on "The Future of the Islamic World", Algiers.

6- Emilio Fontela (2000): Bridging The gap between Scenarios and models, Foresight, Vol.2; No.1.

7- James Ogilvy (2002): Creating Bette Futures, Scenario Planning as a Tool for a Better Tomorrow, Oxford University Press.

8- Mc Hale J. and Mc Hale, M.C (1975): Futures Studies, An International Survey, New York, Unions Institute for Traing and Research.

پی نوشت

1- Edward Cornish; Futuring the Exploration of Future; Maryland; World Future Society; 2004, p.4.

2- Mc Hale J. and Mc Hale; M.C. Futures Studies; An International Survey; New York; United Nations Institute for Traing and Research; 1975; pp.8-10.

3- Ibid

4- Oracle

۵- حسینی مقدم، محمد و محمد خاجوی؛ «آینده نگاری فناوری براساس پارادایم آشوب شناسی»؛ همایش آینده پژوهی؛ تهران: دانشگاه امیرکبیر؛ خرداد ۱۳۸۵.

۶- همان.

7- Focal Points

۸- برت، نی نوس؛ «راهنمای تمرین خلاق و پردازش چشم انداز سازمان»؛ ترجمه و ویرایش: محمد ازگلی؛ تهران: مؤسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی، مرکز آینده پژوهی علوم و فناوری دفاعی؛ گروه پژوهشی دانش و فناوری آینده پژوهی؛ ۱۳۸۵، صص ۸-۴.

۹- همان؛ ص ۶.

10- Emilio Fontela; "Bridging the gap between scenarios and models", Foresight; Vol.2; No.1; 2000.

11- White paper asymptote; "Scenario and strategy on the value of separation"; <http://www.opensourcescenarios.org/scenaro-separation.pdf>

12- James Ogilvy; Creating Better Futures; Scenario Planning as a Tool for a Better Tomorrow; Oxford University Press; 2002; pp.18-22.

13- Peter Schwartz; The art of the long view; Planning for the future in an uncertain world; New York: Doubly/Currency 1991; pp.65-66.

14- Elmandjra, Mahdi; "Future Studies: Needs, Facts and prospects"; Symposium on "the Future of the Islamic World"; Algiers; 4-7 May 1990; pp.72-76.

۱۵- قربانی، سعید؛ «آینده اندیشی از منظر اسلام»؛ همایش آینده پژوهی، فناوری و چشم انداز توسعه؛ تهران: دانشگاه امیرکبیر؛ خرداد ۱۳۸۵؛ صص ۱۴-۱۱.

۱۶- سوره‌ی رعد؛ آیه‌ی ۱۱.

17- Elmandjra, Mahdi; "Future Studies: Needs, Facts and Prospects"; Ibid.

۱۸- سوره‌ی فصلت؛ آیه‌ی ۵۳.

19- Elmandjra, Mahdi; "Future Studies: Needs, Facts and Prospects"; Ibid.

20- Ibid.

21- Kirchner. Emil J; The European Unions as a Model for Regional Integration: The Muslim World and Beyond; Jean Monnet/Robert Schuman Paper Series; vol.6; No.1; January 2006.